

خیابان قزوین : حضور باغ در شهر بازخوانی خیابان قزوین با تکیه بر اشعار عبدی بیگ و سایر مکتوبات موجود

آیدا آل هاشمی*

چکیده

خیابان قزوین که امروز با نام خیابان سپه در شهر قزوین به آن اشاره می‌شود از مستحذات شاه‌طهماسب صفوی در شهر قزوین به‌شمار می‌رود. بسیاری خیابان قزوین را نیای خیابان چهار باغ صفوی (شاه‌عباسی) اصفهان برشمرده و گروهی حتی از آن به عنوان اولین خیابان در فضای شهری ایران یاد می‌کنند. در این میان آنچه کمتر به آن پرداخته شده است، شناخت و معرفی ساختار فضایی خیابان قزوین است. اینکه خیابان قزوین چه فضاها و عملکردهایی را در خود جای داده بود و چه عناصر کالبدی شکل‌دهنده آن و اطرافش بوده‌است در کنار شکل و تناسب آن در هنگام ساخت و همچنین الگوی کالبدی شکل‌گیری چنین فضایی، مواردی هستند که نیاز به پاسخگویی دارند. از این رو این نوشتار تلاش می‌کند تا با رجوع به مکتوبات تاریخی و ادبی در مورد «خیابان قزوین» و انطباق آن با فضاهایی مشابه در آن زمان و پیش از آن، برای آنها پاسخی بیابد و سیمایی از ساختار فضایی آن را در دوره صفوی ترسیم کرده و الگوی فضایی چنین ساختاری را مورد پژوهش قرار دهد.

در نهایت کنار هم نهادن مستندات و نگاه تحلیلی این پژوهش نشان می‌دهد «خیابان قزوین» به عنوان فضای شهری و جمعی به منظور گردش مردم شهر طراحی و برنامه‌ریزی شده، و با بهره‌گیری از عنصر خیابان در باغ ایرانی و ویژگی‌های کالبدی آن فضایی برای تفرج مردم در شهر را مهیا ساخته است. بعدها و به خصوص در زمان شاه‌عباس صفوی شاهد ادامه حضور پررنگ و برنامه‌ریزی شده این عناصر و ویژگی‌ها در فضاهایی با عنوان «خیابان» در سایر شهرهای ایران از جمله اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز هستیم.

واژگان کلیدی

قزوین، خیابان، عبدی بیگ شیرازی، سفرنامه اروپاییان، باغ ایرانی، شهرسازی دوره صفوی.

* پژوهشگر دکتری معماری منظر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ۰۲۱۶۶۹۱۵۸۴۵
ayda_alehashemi@yahoo.com

مقدمه

خیابان، امروز از مطرح‌ترین فضاهای شهری به‌شمار می‌رود و بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با شهر و شهروندان در آن جریان دارد. اگرچه اساتید سخن‌پیشینه‌واژه خیابان را در ایران، قرن نهم هجری به بعد می‌دانند، با این حال اسناد تاریخی پیش از قرن نهم از فضاهایی مشابه خیابان در شهرهایی مانند ری و تبریز یاد می‌کنند که با القابی همچون «شارع» یا «گذر» نامیده می‌شده‌اند. «خیابان قزوین» اولین نمونه از خیابان‌هایی است که در دوره صفویه در جای‌جای ایران احداث شدند. امروز مطرح‌ترین آنها خیابان چهارباغ اصفهان است.

احداث خیابان قزوین از اتفاقات قابل توجه در شهر قزوین به‌شمار می‌رفته است که در اغلب مکتوبات در باب شهر قزوین به آن اشاره شده است. امروز ولی، صحبت درباره «خیابان قزوین» مانند بسیاری دیگر از آثار مربوط به دوره صفوی این شهر - که دیگر نشانی از آنها باقی نیست - با اما و اگرهای فراوان همراه است. اگرچه پژوهشگران پیش از این در نوشته‌های مختلف در باب «خیابان»، به آن پرداخته‌اند ولی نگاه سطحی آنها در رسیدن به نتایج مورد نظرشان، آنها را از نگاه دقیق و موشکافانه بر این فضا بازداشته است. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد مطالعه دقیق و تحلیلی بر این فضا و شناخت و معرفی فضا، کالبد و کارکرد خیابان قزوین در دوران ساخت و بهره‌برداری است. این مقاله با جمع‌آوری و تطبیق مکتوبات متنوع تاریخی و ادبی - که در آنها به خیابان قزوین اشاره شده است - طرحی کلی از سیما و کالبد خیابان قزوین در دوره صفوی را تجسم و بازنمایی کرده و به بازنمایی این فضای شهری و عملکردش در آن دوران می‌پردازد. همچنین جنبه‌های تأثیرپذیری این فضا از دیگر فضاها و نحوه تأثیرگذاری آن بر فضاهای شهری با عنوان خیابان در دوران بعد مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در این میان اشعار «عبدی بیگ شیرازی»^۲ در وصف خیابان قزوین به واسطه تصاویر دقیقی که از فضاها در زمان احداث (زمان حکومت شاه‌طهماسب) ترسیم کرده اهمیت تاریخی بسیار دارد و یگانه است و در کنار آن تصویرسازی دقیقی نیز از باغ سعادت‌آباد و خیابان‌های باغ ارایه داده که به نوعی تحلیل و مقایسه فضاها را مهیا کرده است. با این اوصاف بخش عمده دست‌آوردهای این پژوهش نیز مبتنی بر اشعار وی است. در عین حال انطباق و استفاده از سایر متون (سفرنامه‌های سیاحان غربی) که در دوره‌های بعدتر نگارش شده است نیز در بازخوانی خیابان قزوین و ترسیم جنبه‌های مختلف کالبدی و عملکردی آن مورد توجه بوده است.

فرضیه

خیابان قزوین به صورت فضایی طراحی شده برای شهر با عناصر کالبدی و نقش کارکردی مشخص و برنامه‌ریزی شده احداث شد. برخلاف نظرات و تفکرات موجود به عنوان تلاشی ابتدایی در ایجاد چنین فضاهایی در شهر با گرت‌برداری از خیابان در باغ

ایرانی، الگوی شکل‌گیری خیابان چهارباغ اصفهان و خیابان در سایر شهرهای ایران در دوره شاه‌عباس صفوی بوده است.

تاریخچه و سیر تحول خیابان در شهر قزوین

درفاصله سال‌های ۹۶۲-۹۶۳ ه. ق. «شاه‌طهماسب» صفوی پایتخت را از تبریز به قزوین منتقل کرد و در این راستا اقدام به آبادانی و احداث مجموعه‌ای حکومتی با متعلقات فراوان شامل مجموعه دولت‌خانه، باغ سعادت‌آباد به همراه عمارات و منازل فراوان آن، حمام‌های متعدد، چهار بازار و... کرد. «خیابان قزوین» نیز از همین مجموعه اقدامات عمرانی شاه‌طهماسب در قزوین به‌شمار می‌رود. در مورد تاریخ دقیق احداث این مجموعه «خلاصه التواریخ» ذیل وقایع سال ۳۵ سلطنت شاه‌طهماسب مقارن با ۹۶۵ ه. ق. چنین نقل می‌کند:

"... و هم در این سال عمارت عالییه رفیعه باغ سعادت‌آباد از منازل درون و بیرون و خیابان و عمارت دولت‌خانه مبارکه به اتمام رسید" [دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۱۵۶]. خیابان قزوین به واسطه موقعیت قرارگیری در حد فاصل سردر منزل شاهی (باغ سعادت‌آباد) در شمال و عمارت دولت‌خانه در جنوب، نقشی مهم هم به لحاظ کالبدی و هم به لحاظ اجتماعی در شهر قزوین ایفا می‌کرده است. اشاره مستقیم به این سه فضای باغ، دولت‌خانه و خیابان در یک رتبه نیز به نوعی بر اهمیت این فضا در میان متحدان شاه‌طهماسب در پایتخت جدید دارد.

از سال ۱۰۰۶ ه. ق. که «شاه‌عباس اول» پایتخت را از قزوین به اصفهان انتقال داد، قزوین از نظر موقعیت سیاسی و اعتبار دچار نوعی سقوط شد و با رفتن شاه و مقام‌های دولتی و حکومتی و وابستگان به آنها از شهر زنجیره این آبادانی‌ها متوقف شد و متحدان نیز کم‌کم خالی از سکنه شد. با این حال در ادامه دوران صفوی شهر قزوین همچنان مورد توجه صفویان بود و بعضاً به عنوان محل موقت اقامت شاهان صفوی مورد استفاده قرار می‌گرفت [ورجانوند، ۱۳۷۷].

خیابان قزوین نیز سیر تحولی مانند سایر آثار مربوط به دوره صفوی این شهر دارد. تغییرات در خیابان از همان دوران پادشاهان صفوی آغاز شد، چنانچه «خلاصه‌التواریخ» در مورد وقایع سلطنت «شاه صفی» چنین می‌آورد: "شاه صفی در سال ۱۰۴۹ قمری به قزوین رفت و به اتمام خیابان مستقیم از دولت‌خانه مبارکه تا آستانه سدره درجه مقدسه امامزاده حسین (ع) مشرف شده و به گورستان جنوب شهر رسانده‌اند..." [اشراقی، ۱۳۸۰: ۳۸۷].

بعدها نام «خیابان» به محله‌ای از شهر قزوین در محل «خیابان قزوین» و منازل اطراف آن اطلاق شد و خیابان قزوین در دوران قاجار و پهلوی با تغییراتی که در آن دوران در ساختار شهر روی داد دستخوش دگرگونی‌های فراوان شد [دبیرسیاقی، ۱۳۸۱]. ردپای سیر تحول «خیابان قزوین» هم‌راستا با توسعه شهر قزوین در طی دوران مختلف در مکتوبات مختلف تاریخی و ادبی قابل

شدن این دو درگاه غلغله‌ای در میان انداخته است و چنین بیان می‌کند که شاه با طرح و ساخت چنین فضایی برای مردم شهر در واقع راه را به آنها نمایانده است!

عبدی بیگ در ادامه در دفتر «دوحه‌الازهار» در وصف خیابان نکات ظریف دیگری را بیان می‌کند؛ بر هندسه مستقیم و مسطح خیابان تأکید می‌کند و از زیبایی و همنشینی گونه‌های مختلف درختان در کنار یکدیگر (چنار و نارون، سرو و صنوبر تا بید و عرعر) در دو سوی «خیابان» می‌سراید.

درختان از دو جانب صف کشیده همه آزادگان نو رسیده چنار و نارون گشته هم آغوش بهم سرو و صنوبر دوش بردوش (دوحه‌الازهار)

در مورد جوی آب دو سمت خیابان و جاری در زیر درختان نیز آنها را از صافی و درستی به جدول تشبیه می‌کند.

مسطح چون یکی طومار هیکل دو جویش از دو سو همچون دو جدول (دوحه‌الازهار)

در دفتر «جنه‌الاثمار» نیز عبدی بیگ به وصف زیبایی و درستی خیابان، جداره‌هایش، جوی‌ها و درختانش پرداخته است که شاه‌طهماسب «خیابان» را چنین و چنان آراسته و بر آنچه از زیبایی و دقت کار در خیابان و اجزایش در دو دفتر پیش آورده بود تأکیدی دوباره می‌کند.

عبدی بیگ پس از آنکه در دفترهای قبل در وصف سبزی و خرمی خیابان بیت‌ها سروده بود، در دفتر آخر (زین‌الاوراق) به نکته‌ای کلیدی اشاره می‌کند و خیابان را با این همه زیبایی‌اش مکانی برای گردش و سیر مردم معرفی می‌کند که اگر می‌خواهی از زندگی خود بهره‌ای ببری از جانب شهر به «خیابان» برو و آن بهشت ثانی را نظاره کن. همچنین به باغ‌هایی که امرا و وزرا و اعیان در اطراف خیابان ساخته‌اند چنین اشاره می‌کند:

خواهد از عمر اگر بیاید بهر غیرت کارگاه مانی را بنگرد آن بهشت ثانی را باغ‌ها بین ز هر طرف معمور در خیابان به وقت سیر و عبور جمله اعیان درو عمارت ساز کرده هریک عمارتی آغاز (زین‌الاوراق)

در آخرین ابیات نیز از منازل و نشست‌گاه‌های متعدد در خیابان برای مردم سیاح و گردشگر سخن به میان می‌آورد:

در خیابان منازل بسیار هست از بهر مردم سیار منزل صفا همایون است که صفابخش ربع مسکون است (زین‌الاوراق)

کنکاش در اشعار «عبدی بیگ» کمک می‌کند تا در سه بعد (عناصر کالبدی شکل‌دهنده فضا، کانسپت و عملکرد، سیما و منظر)، فضای «خیابان قزوین» در دوره شاه‌طهماسب را بازخوانی کنیم. عبدی بیگ در میان توصیفات که از خیابان و اجزای شکل‌دهنده آن دارد بر چهار عنصر اصلی شکل‌دهنده کالبد خیابان اشاره دارد و در وصف آنها نکات ریزی را نمایان می‌سازد. نخست

پیگیری است. امروز نیز خیابان سپه با قرارگیری در مرکز شهر و ارتباط با بناها و بافت تاریخی شهر همچنان نقشی حیاتی در ترافیک و زندگی شهر قزوین ایفا می‌کند.

بازنمایی خیابان قزوین براساس متون تاریخی و ادبی

در جستجو برای بازنمایی سیمای خیابان قزوین در دوره صفوی کامل‌ترین سند قابل استناد اشعار «زین‌العابدین عبدی بیگ شیرازی» است که به خواست شاه‌طهماسب در وصف دولت خانه قزوین سروده است. این مجموعه اشعار در خمسه‌ای با نام «جنات‌العدن» به سال ۹۶۸ ه.ق سروده شد. در کنار توصیفات این ابیات، سفرنامه‌های سیاحان اروپایی و یادداشت‌های گاه دقیق آنها از مشاهداتشان در دارالسلطنه قزوین در دوران صفوی و قاجار نیز منابع مکتوب دیگری اند که تلاش شد با تطبیق و تحلیل این اسناد در کنار یکدیگر طرحی کلی از کالبد و فضای خیابان قزوین، ارایه شود.

خیابان قزوین در اشعار «عبدی بیگ شیرازی»

«عبدی بیگ شیرازی» در چهار دفتر از پنج دفتر خمسه‌اش با نام «جنات‌العدن» ابیاتی را به وصف «خیابان قزوین» اختصاص داده است. عبدی بیگ در این اشعار در کنار وصفی که از حال و هوای خیابان و از لطافت و زیبایی آن دارد، و در آن البته مبالغه هم می‌کند، با نگاهی موشکافانه نکات قابل توجهی از این فضای شهری در دوران شاه‌طهماسب را نمایان می‌سازد.

نخستین اشاره عبدی بیگ به «خیابان» در دفتر «روضه‌الصفات» و پس از وصفی بر باغ سعادت‌آباد است. وی در قسمتی با نام «صفت خیابان جعفرآباد» از فضایی مسرت‌بخش در خارج از باغ و منزل سعادت‌آباد یاد می‌کند که جهت استفاده مردم احداث شده است و در ابیات متوالی به وصف صفا و خرمی این فضا می‌پردازد. خارج این خانه جنت مثال کاخترش از دهر نبیند و بال کرده خیابان مسرت فرای کرد ملال از دل مردم زدای (روضه‌الصفات)

عبدی بیگ در ادامه وصفی کلی که از فضا دارد به بیان جزئیات و عناصر فضا نیز می‌پردازد. از آب زلال جاری در «خیابان» و سبزه روئیده بر کنار و درون جوی‌ها می‌سراید و از زیبایی تصویر این سبزه بر آب می‌گوید. همچنین با ظرافت به کف پوشیده از ریگ جوی‌ها و سبزه نازکی اشاره دارد که از آن سربرآورده است. از محدود شدن خیابان از دو سمت با دیوار می‌گوید و به راستی و درستی این جداره‌ها اشاره می‌کند، که اگر سر پرگار بر دو سمت آن نهی به اندازه یک سر مو تفاوت در آن نیست.

از دو طرف خاسته دیوار راست ساخته ز انسان که خرد را هواست گر سر پرگار نهی از دو سو یکسر مو نیست تفاوت درو (روضه‌الصفات)

در ادامه به نقش شاه در طرح افکندن «خیابان» و قرار گرفتن دو درگاه شاهی در ابتدا و انتهای این فضا اشاره می‌کند که روبه‌رو

با آنچه همه روزه در شهر می‌دیدند هجوم آورده بودند، برای خود راهی باز کرد و سرانجام پس از عبور از خیابان که حاملان هدایا در آن ایستاده بودند به فاصله ۳۰ پایی باغ و خانه شاه رسید. در آنجا از اسب پیاده شد و روی چند قالی که با عجله و به همین منظور زیر درختی پهن کرده بودند نشست. در اطراف این قالی‌ها دیوار و پرچین کوتاهی به ارتفاع ۲ پا ... کشیده بودند. میدان جلو خانه شاه انباشته از مردم صاحب مقام بود ... [فیگوئروا، ۱۳۶۳ : ۲۶۳]. وی در اینجا از خیابان مقابل در منزل شاه یاد می‌کند که حاملان هدایا- که پیش‌تر تعداد آنها را ۶۰۰ نفر عنوان کرده بود- در آن به ردیف ایستاده‌اند و مردم از همه محلات برای تماشا جمعند در آن خیابان. وی همچنین اشاره به وجود میدان گاهی در مقابل درب منزل شاه دارد.^۶

«شاردن» که اواخر قرن ۱۷ میلادی به قزوین سفر کرده بود، در توصیفات هرچند مختصرش از «خیابان قزوین»، به ابتدا و انتهای خیابان و همچنین پوشش گیاهی کهن سال آن اشاره کرده است. «مسجد بزرگ شاه نیز از بهترین و بزرگ‌ترین مساجد ایران به‌شمار می‌رود و در پایان کوچه وسیعی واقع شده که دارای درخت‌های بزرگ و کهن است و در اول کوچه در بزرگ کاخ شاهی قرار دارد...» [شاردن، ۱۳۷۲ : ۷۱].

در دوره قاجار اما نوشته‌های بیشتری از سیاحان در دست است. اگرچه در این دوران مستحذات صفوی شهر قزوین دیگر آن شکوه سابق را نداشته‌اند و خیابان نیز از این قاعده مستثنا نیست با این حال همچنان رد پای «خیابان» در سفرنامه‌های سیاحان اروپایی دیده می‌شود که در دوره قاجار به ایران آمده‌اند و از شهر قزوین بازدید کرده‌اند.

«ارنست اورسل» جهان‌گرد بلژیکی که در اواخر قرن ۱۹م به ایران آمده دیگر سیاحی است که در نوشته‌هایش از قزوین به خیابان مشجری مابین قصر شاهی دوره صفوی و میهمان‌خانه‌ای که در آن اقامت داشته است اشاره می‌کند. «در فاصله مابین قصر (قصرشاه‌طهماسب) و میهمان‌خانه، خیابان بولوار مشجری به درازای ۶۰۰ متر و به پهنای ۲۰۰ متر قرار داشت که پرازدحام‌ترین نقطه شهر بود. هر لحظه کاروان‌ها قطار قطار از این میدان می‌گذشت. در سایه چنارها، درویش‌ها به جمعیت انبوهی که مسحور بیانات آنها شده بودند، شمه‌ای از شجاعت و مناقبت ائمه راه، یا مصائبی که بر سرشان آمده بود بازگو می‌کردند. اشراف و نجیب‌زادگان غرق در سلاح‌های گرانبها سوار بر اسبان اصیل خراسانی ... ملاحا، ملبس به لباس سفید و معموم به عمامه‌های نیلی رنگ با وقار خاصی دسته دسته راه می‌رفتند. نقال‌ها و بند بازاها نیز مردم بیکاره را با قصه‌هایی که آمیخته با شعر بود یا با حرکات و بندبازی عجیبی غرق در حیرت و تعجب می‌کردند» [اورسل، ۱۳۵۳ : ۷۱].

ارنست اورسل که حدود سه قرن پس از احداث «خیابان» از قزوین بازدید کرده است، تناسباتی از «خیابان» در دوره قاجار را بیان می‌کند، ولی نکته قابل توجه اشاره به جریان زندگی

بر هندسه قوی حاکم بر «خیابان» اشاره می‌کند که فضایی است مسطح و مستقیم‌الخط و بی‌هیچ پیچ‌وتاب. سپس در جای جای اشعارش بر حضور عنصر آب در خیابان اشاره می‌کند که در دو جوی مستقیم و مسطح با کف‌سازی مشخص و سبزه‌های روییده بر آن در دو سمت خیابان و بر زیر ردیف درختان جاری‌اند و لطافت‌بخش «خیابان» اند. بر حضور عنصر گیاهی درخت و سبزه تأکید می‌کند، درختانی که به ردیف در دو سوی خیابان کاشته شده و شاخشان از دو سو به عرش می‌رسد و گونه‌های متنوع درختان در کنار یکدیگر همنشین‌اند. پای درختان نیز سبزه و گل در کنار جوی آب خودنمایی می‌کند. در نهایت عنصر مهم دیگر کالبد خیابان که عبدی‌بیگ اشاره می‌کند، جداره‌سازی منظم و مستقیم «خیابان» است که در واقع آن‌چنان که شاعر بیان می‌کند دیوار باغ‌های اطراف‌اند و هرکدام به یک وزیر و وکیل متعلق است، دیوارهایی بلند و یک‌دست که یک سر مو تفاوت در آنها نیست [عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۹۷۹].

«عبدی‌بیگ» در قسمت‌های مختلف اشعارش در باب خیابان بر کانسپت دستوری این فضا و حضور ملوکانه شاه در «خیابان»، در پس اشعارش در وصف نظم مستحکم حاکم بر فضا و مکان قرارگیری خیابان در میان دو درگاه شاهی، اشاره می‌کند.

شاه خیابان چنین کرده ساز
یا دری از خلد برین کرده باز
از طرفی درگه دولت سرا
در طرفی باغ سعادت فرا^۷
گشته دو درگه ز دو سو روبروی
غلغله انداخته در چار سوی
(روضه‌الصفات)

مهم‌تر از همه «عبدی بیگ» در اشعارش به کارکرد «خیابان» در سطح شهر قزوین به عنوان فضایی برای تفرج و گردش مردم شهر اشاره می‌کند. فضایی که مردم از شهر برای سیر و عبور به آن آیند و با تأسیسات و تمهیدات بسیار برای این مردم سیاح مهیا شده است.

خیابان قزوین در سفرنامه و نوشته‌های سیاحان اروپایی

سیاحان اروپایی بسیاری، هم در دورانی که قزوین پایتخت حکومت صفویان بود و هم در دورانی که مرکزیت به اصفهان منتقل شده بود و در دوره‌های بعدتر، به قزوین سفر داشتند و در یادداشت‌هایشان به دارالخلافه قزوین و سایر فضاها و ابنیه آن شهر اشاره کرده‌اند. از میان آنها تعدادی نیز وصفی هرچند محدود از «خیابان قزوین» دارند، که در جهت تدقیق تصویرسازی خیابان مورد توجه قرار گرفت.

از معروف‌ترین این سفرا «دن گارسیا دسیلوا فیگواروا» بود که در زمان سلطنت شاه‌عباس صفوی در قزوین به حضور شاه رفت.^۸ «دن گارسیا» در وصف باریافتنش نزد شاه‌عباس صفوی در باغ سعادت‌آباد اشاره‌ای کوتاه به خیابانی در مقابل درگاه منزل شاه دارد : "... سفیر به زحمت از میان انبوه مردمی که از همه محله‌های شهر برای تماشای تدارکات و اشخاصی کاملاً متفاوت

صفوی ترسیم کنیم. تصویری که مقایسه آن با فضای خیابان در باغ سعادت آباد که عبدی بیگ در توصیف باغ هم زمان به صورت ویژه به آنها می‌پردازد و همچنین قرار دادن این تصویر بازنمایی شده در کنار تصاویر و تفصیلات از خیابان در باغ ایرانی که قدمتی چند هزار ساله دارد، نتایج قابل توجهی را به دست می‌دهد.



تصویر ۱. پلان محدوده خیابان برگرفته از توصیفات عبدی بیگ و سیاحان خارجی. مأخذ: نگارنده، ۱۳۸۹.

Fig1. The construction plan of Khyaban at the time of construction based on poems of Abdi Beyk and the descriptions provided by Europeans visiting this venue. Source: Author, 2010.



تصویر ۲. بازنمایی منظر خیابان بر اساس اشعار عبدی بیگ. مأخذ: آل‌هاشمی، مجتهدی و روح‌نیا، ۱۳۸۸.

Fig2. Reconstruction of the landscape of Khyaban, based on poems of Abdi Beyk. Source: Al-e Hashemi, Mojtahedi and Rooh-Nia, 2009.

اجتماعی در خیابان است. در حقیقت «اورسل» بُعدی دیگر از «خیابان» را به عنوان فضایی جمعی و زنده در مقابل درب شاهی، به تصویر می‌کشد که همچنان در زمان قاجار نیز ادامه دارد. از دیگر سیاحان اروپایی که در دوره قاجار به ایران می‌آیند «اوژن فلاندن» جهانگرد فرانسوی است که مقارن با حکومت «محمد شاه قاجار» به قزوین سفر می‌کند و در وصفی که از خیابان قزوین دارد، به تناسب خیابان در آن زمان، درختان زینت‌بخش آن و همچنین به مغازه‌هایی اشاره دارد که در اطراف خیابان قرار دارند: «یکی از خیابان‌هایی که به در بزرگ قصر منتهی می‌شد حقیقتاً از هر حیث قابل ملاحظه و شایان دقت است. طولش ۷۰۰ قدم و عرض آن هفتاد قدم در دو طرفش دو ردیف درخت که به آن زینت بخشیده‌اند و به مغازه‌های طرفین سایه افکنده‌اند» [فلاندن، ۱۳۵۶: ۷۱].

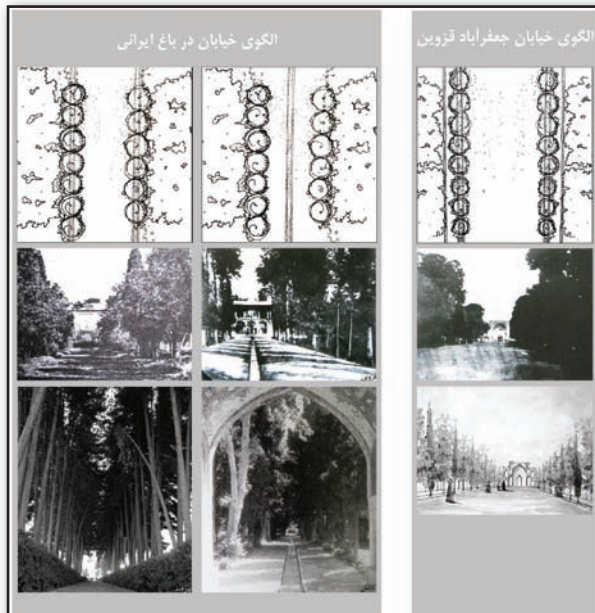
الگو و تحلیل فضایی خیابان قزوین

بررسی تحلیلی مکتوبات موجود، خیابان قزوین را به عنوان فضایی طراحی شده برای تفرج و گردش مردم شهر قزوین معرفی می‌کند و ویژگی‌های کالبدی و عملکردی خاص این فضا را نشان می‌دهد؛ ویژگی‌هایی که پیش از این مختص به خیابان چهار باغ اصفهان و مکتب اصفهان در شهرسازی معرفی می‌شد. چنانچه اساتیدی چون «سید محسن حبیبی» و «زهره اهری» درختکاری و جوی آب را از مشخصات خیابان مکتب اصفهان معرفی می‌کنند که از زمان شاه‌عباس صفوی به صورت طراحی شده در چهارباغ اصفهان ایجاد شده و در طرح‌های شهرسازی پس از آن تکرار شده است [۱۳۸۷: ۱۴].

زهره اهری در جایی دیگر در مدح خیابان چهارباغ اصفهان آن را به واسطه کارکرد تفریحی در سطح شهر اصفهان و همچنین کالبد و عناصر کالبدی طراحی شده‌اش، واجد مفهومی نو و بدیع در شهر ایرانی می‌شناسد، و دیگر فضاهایی با این عنوان و کارکرد از جمله خیابان قزوین را فاقد طراحی کف و بدنه و حتی نظم هندسی می‌داند و آن را نه فضایی برای جمع شدن و توقف که فضایی برای عبور معرفی می‌کند [اهری، ۱۳۸۵: ۵۹-۴۸].

در صورتی که دقت در اشارات عبدی بیگ و سایر سیاحان خیابان قزوین را دارای تمامی ویژگی‌های کالبدی و کارکردی مذکور معرفی می‌کند. چنانچه مطابق با تصویر بازنمایی شده، خیابان قزوین مسیری مستقیم با هندسه دقیق، جداره‌هایی از دیوارهای مستقیم باغات بزرگان، با ابتدا و انتهای مشخص و ردیف درختان منظم در دو سوی خیابان به همراه جوی آب مستقیم در پای درختان است. محوطه‌ای فراخ که برای گردش مردم شهر احداث شده و با تمهیدات و منازلی برای گردشگران مجهز بوده است (تصاویر ۲ و ۱).

بررسی‌های انجام شده به ما کمک می‌کند تا تصویری نسبتاً واضح از کارکرد و کالبد فضایی خیابان قزوین در دوره شاه‌طهماسب



تصویر ۳. مقایسه و تطبیق الگوی خیابان در باغ ایرانی و خیابان جعفرآباد قزوین، مأخذ: نگارنده.

Fig3. A comparison between the architecture design of Khyaban in Persian garden and the architecture design of the Jafar-Abad Khyaban in Qazvin. Source: Author.

واقع شاه‌عباس نیز آن هنگام که می‌خواهد خیابان چهارباغ را احداث کند همین الگو را مورد استفاده قرار می‌دهد. در کتاب تاریخ عالم آرای عباسی در باب احداث خیابان چهار باغ چنین آمده است: به دستور شاه‌عباس مقدر شده است که در دو طرف خیابان چهارباغ جوی آب جاری شده و درختان «سرو»، «چنار»، «کاج» و «عرعر» غرس شود [ترکمان، ۱۳۳۴: ۵۴۵-۵۴۴].

بدین ترتیب تصویر خیابان چهارباغ در هنگام احداث به لحاظ عناصر کالبدی و حتی تنوع گونه درختان همان تصویری است که عبدی بیگ از خیابان قزوین ارایه می‌دهد. به مرور این الگو، بنا به ضروریات تکمیل و اصلاح شد. تنوع کاشت به درخت چنار محدود شد، جوی آب و حوض‌ها در میان خیابان چهره‌های تشریفاتی به خیابان چهارباغ داد و در نهایت دو ردیف درخت چنار در اطراف جوی میانی خیابان غرس شد. در مورد ردیف درختان در خیابان چهارباغ و زمان اضافه شدن دو ردیف میانی به خیابان چهارباغ بررسی و دنبال کردن نوشته‌ها و تصاویر سیاحان از خیابان چهارباغ راه‌گشا است. نه در «تاریخ عالم آرای عباسی»، نه در «سفرنامه تاورنیه» صحبتی از دو ردیف درخت چنار در مرکز خیابان نیست و نه «جملی کارری». نقطه عطف در این بین تصویری است که «کرنلیس بروین» نقاش هلندی در سال ۱۱۱۵ هجری از خیابان چهارباغ ترسیم کرده است، تصویر وی نمایانگر دو ردیف درختان چنار کهن سال در دو طرف خیابان با فاصله کمی از دیوار باغات به همراه دو جوی آب در پای آنهاست و در نمای دورتر دو ردیف درختان چنار کوتاه و تازه کاشت در کنار جوی جاری در میان خیابان نمایان است.

توصیف خیابان‌های درون باغ سعادت‌آباد در دفتر دوحه‌الازهار (حدود ۹۶۷ ه. ق.) بدین شرح است:

برسم حاشیه بر دور این باغ
خیابانیست ز و افلاک را داغ
بر اطرافش درخت بید و عرعر
که سایید از تفاخر بر فلک سر
میان بید و عرعر تاک و سرمست
چو مستی کو به هوشیاران دهدست
...

خیابانی ز درگه تا به ایوان
تماشا کن که در تن می‌دهد جان
درختان از دو جانب سر بر افلاک
برعنایی خرامان و تربناک
...

خیابانی دگر از غرب تا شرق به قسمت کرده سطح باغ را فرق
همچنین خلاصه‌التواریخ در توصیف باغ سعادت‌آباد، کیفیت فضایی خیابان باغ را چنین بیان می‌دارد:

"... و عرصه باغ را به طریق هندسه به گذرهای مربع و چمن‌های مثلث و مسدس بخش کرده و میان خیابان آن نهری عظیم جاری گردانید و در حواشی آن اشجار چنار و سفیدار نشانید و مربع‌های اطرافش به اشجار گل و یاسمن و ارغوان و نارون و سایر درختان میوه آراست..." [اشراقی، ۱۳۸۰: ۳۱۲].

کنار هم نهادن خیابان جعفرآباد در کنار خیابان در باغات ایرانی از جمله خیابان‌های باغ سعادت‌آباد، علاوه بر تشابهات کالبدی- فضایی و عناصر شکل‌دهنده به این فضاها، استفاده از عنوان مشترک خیابان برای هر دو فضا و توجه به قدمت حضور فضای خیابان در باغ ایرانی، همگی ما را به سمت یک گزینه به عنوان الگوی طرح خیابان جعفرآباد می‌کشاند، و آن خیابان در باغ ایرانی است (تصویر ۳).

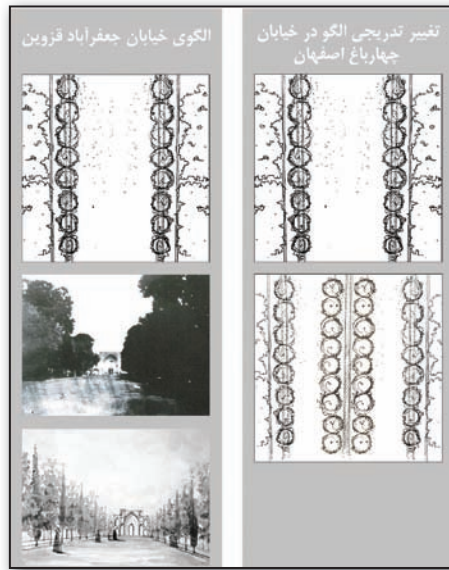
دور از ذهن نیست که شاه‌طهماسب آنگاه که عزم می‌کند تا فضایی را، اگرچه به قصد نشان دادن قدرتش، برای مردم و تفرج آنها برپا سازد همان الگوی خیابان در باغ ایرانی، یعنی مسیر طولیل مستقیم‌الخط و عناصر کالبدی آن شامل ردیف مستقیم درختان و جوی آب جاری در آن را عیناً تکرار کند.

فضای اطراف این خیابان برخلاف باغ دیگر کرت‌های چسبیده به خیابان باغ نیستند بلکه دیوار باغ‌هایی مجزا هستند که شاه به بزرگان و امیران خود واگذار کرده است.

در حقیقت خیابان قزوین نمونه‌ای از ورود الگوی خیابان باغ به درون فضای شهری است، الگویی که در گام نخست در انطباق با فضای شهری کاستی‌هایی هم داشته که در این نمونه فضای بلااستفاده ایجاد شده میان ردیف درختان و دیوار باغات است. این روند در نمونه‌های بعدی به مرور تکامل و تنوع یافته است و با شهر و نیازهای آن هماهنگ شده است.

خیابان در شهرسازی دوره صفوی

در دوره صفوی به ویژه زمان حکومت شاه‌عباس، خیابان از جمله فضاهایی بود که در ساختار فضایی شهرهای ایران حضور فعال یافت. مشهورترین این نمونه‌ها خیابان چهارباغ در اصفهان است. در



از این زمان به بعد بوده است که کاشت درخت در دو ردیف میانی خیابان چهارباغ متداول شده است و گزارشات دوران قاجاریه و بعد از آن همگی به چهار ردیف درخت چنار کهن سال در خیابان چهارباغ اصفهان اشاره می کنند (تصویر ۴). همین الگوی برگرفته از باغ ایرانی یعنی ردیف مستقیم درختان و جوی آب در پای آنها و یا در میان، در فضاهایی با عنوان خیابان در دوره شاه عباس در سایر شهرهای ایران (مشهد، قدمگاه، تبریز، شیراز و...) نیز اجرا شد.

تصویر ۴. مقایسه تطبیقی الگوی خیابان جعفرآباد قزوین و الگوی خیابان چهارباغ اصفهان. مأخذ: نگارنده.

Fig4. A comparison between the architecture design of the Jafar-Abad Khiyaban in Qazvin and the Chahar-Baq Khiyabn in Esfahan. Source: the author.

نتیجه گیری

پس از بررسی و تطبیق متون تاریخی و ادبی که در این نوشتار ارایه شد. فضای خیابان قزوین به ترتیب زیر قابل بازنمایی است : نخست؛ خیابان قزوین، فضایی دستوری بوده است که شاه طهماسب صفوی آن را در خارج از مجموعه شاهی و برای مردم شهر به نظم و درستی تمام بنا کرد تا به نوعی شوکت و قدرت حکومت خود را به رخ مردم بکشد. خیابان قزوین از یک سوی به دولت خانه شاهی و از سوی دیگر به سر در منزل شاهی (باغ سعادت آباد) منتهی می شده است و این دو مکان که نشان اصلی شاه و حکومتش هستند بر منظر این خیابان احاطه دارند و به نظر می رسد مردمی که در این فضا حضور دارند همواره نیم نگاهی به قدرت و حکومت شاه داشته اند. دوم؛ خیابان قزوین فضایی برای گردش و تفرج مردم شهر بوده است. چنانچه اشعار "عبدی بیگ" و سایر نوشته های تاریخی که به آنها اشاره شد نیز بر آن صحنه می گذارند، خیابان قزوین تنها محلی برای عبور و گذر مردم نبوده بلکه خود مقصد و هدف گردشگران و فضایی برای نشستن و مکث بوده که مردم از شهر برای تفریح به این مکان می آمده اند. منزل گاههایی نیز برای این مردم سیاح و گردشگر در خیابان در نظر گرفته شد. جای جای آن گروه های مختلف مردم و طبقات مختلف جامعه از نجبا و درویش و عوام سرگرم بوده اند. سوم؛ خیابان قزوین به لحاظ کالبدی از ابتدا و انتها به درگاه منزل شاهی و دولت خانه شاهی و از طرفین به دیوارهای بلند و به دقت پرداخته شده باغ های اشراف و بزرگان محدود و محصور بوده است. خیابان قزوین خیابانی عریض و از نظر هندسی مستقیم الخط بوده است. عناصر کالبدی تشکیل دهنده آن را درختان، جوی آب و منزل گاههایی بهر مردم گردشگر بوده است. در دو طرف خیابان ردیف درختان بلند چنار، نارون، سرو، صنوبر، بید و عرعر غرس شده بود و در پای این ردیف درختان در دو سوی خیابان دو جوی آب مستقیم جریان داشته و در پای آن سبزه ها روییده بوده است. قابل ذکر است در متونی که مورد بازبینی قرار گرفت اطلاعات دقیقی از خصوصیات کالبدی منزل گاه های یاد شده برای گردشگران به دست نیامد. از این نکات چنین برمی آید که خیابان، فضایی شهری طراحی شده ایست که تک تک عناصر و اجزاء تشکیل دهنده آن با طرح و منظوری از پیش تعیین شده در کنار یکدیگر قرار گرفته اند تا فضایی را در میان شهر قزوین برای مردم، البته با نیم نگاهی به سلطنت و حکومت، مهیا سازد. پس از شناخت خیابان قزوین و عناصر و مؤلفه های شکل دهنده به این فضا مقایسه و تطبیق آن با فضاهای هم نام آن در باغ ایرانی و با سابقه چند هزار ساله، مقایسه میان الگوی کالبدی خیابان قزوین با الگوی خیابان در باغ ایرانی و الگوی خیابان در دوره شاه عباس نتیجه زیر را به دست می دهد :

نخست آنکه خیابان قزوین به عنوان نمونه ای ابتدایی (نه الزاماً اولین) از ورود فضای خیابان باغ ایرانی به درون شهر قابل توجه و حایز اهمیت است؛ خیابان قزوین، فضایی شهری است که سازماندهی عناصر کالبدی آن شامل درخت و جوی آب و همچنین کانسپت وجودی آن به لحاظ کاربری که فضایی برای تفرج است و به لحاظ بصری و با ایجاد پرسپکتیو قوی تأکید و نمایش عظمت است و هم به لحاظ عناصر شکل دهنده به آن گرده برداری از خیابان باغ ایرانی است، قابل توجه نیست. از سوی دیگر بعد از احداث خیابان قزوین، تکامل چنین الگویی در خیابان های دوران بعدی و به خصوص خیابان چهارباغ اصفهان قابل پیگیری است و پس از آن خیابان باغ ایرانی به صورت فضایی شهری در عهد صفوی به ویژه دوران شاه عباس به عنوان فضایی مشخص و ویژه در ساختار و فضای شهرهای ایران از جمله اصفهان، شیراز، مشهد و... مورد بهره برداری قرار گرفت. نهایت آنکه خیابان قزوین با بهره گیری از الگوی خیابان در باغ ایرانی فضایی شهری را برای تفرج مردم و نمایاندن عظمت شاه مهیا ساخت و به عنوان نخستین نمونه خیابان عمومی در دوره صفوی در ادامه حکومت صفوی الگویی در ایجاد فضاهای مشابهی با نام خیابان در سایر شهرهای ایران شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. واژه خیابان، امروزه بیشتر به معنی مصطلح معابر شهری و لغت‌نامه‌ها به هر کوی مستقیم و فراخ با ردیفی از درخت و گل در طرفین و یا راه گشاد و همواری که برای عبور و مرور در باغ سازند و کناره‌های آن را گل‌کاری کنند، اطلاق می‌شود [معین، ۱۳۷۹]. در ریشه‌یابی لغوی واژه خیابان در ادبیات فارسی، بنا به نظریات «دبیر سیاقی» آنچه مسلم است، لغت خیابان در فرهنگ‌های قدیمی‌تر فارسی نظیر «لغت‌نامه اسدی»، «فرهنگ چهل‌گبری»، «مجمع‌الفرس» و «برهان قاطع» نبوده و ظاهراً نخستین بار در فرهنگ «بهار عجم» که در سال ۱۱۵۲ ه. ق. تألیف شده، به معنی: «راهی که میان صحن چمن‌ها باشد» آمده است [لاله تیک‌چند، ۱۳۸۰]. «دهخدا» نیز واژه خیابان را به همین ترتیب بیان کرده است: رسته‌ای که در باغ می‌سازند برای عبور و مرور و کناره‌های آن را گل‌کاری می‌کنند، راهی که در میان صحن چمن‌ها باشد، راه ساخته و بیشتر در میان دو صف درختان باغ، هر کوی راست و فراخ و دراز که اطراف آن درخت و گل باشد، راهی ساخته شده بین دو رسته ساختمان در کنار آن، و این بیشتر در شهرهاست، در بیابان، راه ساخته شده بین دو قطعه از بیابان. از سده ۱۱ ه. ق. واژه خیابان با مفهوم «گذرگاه اصلی درون باغ» در متون و اشعار فارسی رایج شد [دبیر سیاقی، ۱۳۷۹: ۲۰۵].

از طرفی آن‌چنان که از متون تاریخی برمی‌آید، واژه خیابان نخستین‌بار نام بلوکی از بلوک‌های شهری هرات بوده است. جغرافیای حافظ ابرو (۸۱۷ ه. ق.) از محله‌ای با این نام در هرات نام می‌برد و «جلال متینی‌راد» در مقاله‌ای در باب واژه خیابان، روند تغییر واژه «خدابان» قرن پنجم و «خدابان» قرن هفتم به «خیابان» قرن نهم را با مقایسه‌ای بین متون تاریخی قرون ۵ تا ۸ و ۹ ه. ق. در شرح وقایع شهر هرات نشان می‌دهد [متینی‌راد، ۱۳۶۱]. در همین دوران اما مسیری را با هر ویژگی و کالبدی شارع می‌نامند آن‌چنان که در معجم‌البلدان به نقل از هارون‌الرشید در توصیف شارع ساربان ری، از مسیری بی‌مثل و مانند که نهی در میان و ردیف درختان و دکاکنی در طرفین دارد، نام می‌برد: «کان الرشید یقول ... و لم ارفی هذه المنازل الثلاث التي نزلتها موضعاً أحسن من السربان لأنه شارع يشق مدينه الزی فی وسطه نهراً جارٍ عن جانبیه جميعاً الأشجار ملتفة متصلة و بینها الأسواق محتفه» [کریمان، ۱۳۴۵: ۲۲۳].

۲. خواجه زین‌العابدین علی (نوبدی) عبدی‌بیگ شیرازی (۹۲۱-۹۸۸ ه. ق.) یکی از شعرای ایرانی سده ۱۶م است که در کتب ادبیات ایران اطلاعات بس‌ناچیزی درباره او موجود است. وی از پیروان مکتب ادبی نظامی گنجوی در سده ۱۶م است. در ۹۲۱ ه. ق. در تبریز متولد شد، با فوت پدر در سال ۹۳۷ ه. ق. از تحصیل دست کشید و در دبیرخانه سلطنتی شاه‌طهماسب به شغل مستوفی‌گری پرداخت. در ابتدا «نوبدی» تخلص می‌کرد و بعدها تخلص «عبدی» را برای خود برگزید. عبدی‌بیگ در سال ۹۸۸ ه. ق. در ارومیه درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد [عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۹۷۹].

۳. منطقه‌ای که شاه‌طهماسب برای احداث دولت‌خانه و متعلقات حکومت در شهر قزوین در نظر گرفت با نام «جعفرآباد» مشهور بوده است.

۴. در اینجا درگاه «باغ سعادت» همان درگاه عالی‌قاپی یا درگاه موجود امروزی در قزوین است که با نام درگاه دولت‌خانه صفوی از آن یاد می‌کنند. درگاه دولت‌سرا احتمالاً منظور دولت‌خانه قدیم است که شاه تا هنگام تکمیل دولت‌خانه جدید در باغ سعادت‌آباد در آن استقرار داشته است چنانچه ذیل مکان دقیق قرارگیری خیابان قزوین در نقشه امروزی شهر قزوین نظرات متفاوت و بعضاً متضادی ارایه شده است. نهایتاً آنکه برای یافتن مکان دقیق قرارگیری و امتداد خیابان قزوین نیاز به مشخص شدن دقیق مکان درگاه دولت‌خانه صفوی است.

۵. «دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا» از نجبا و محترمین بود که از طرف پادشاه اسپانی به سفارت مأمور ایران شد. وی در سال ۱۰۲۳ ه. ق. از اسپانی به ایران حرکت کرد و به اصفهان آمد و از آنجا که شاه‌عباس در آن هنگام در مازندران بود وی را در قزوین به حضور پذیرفت. امروز یادداشت‌های دقیق دن گارسیا از شهر قزوین و دارالسلطنه صفوی از منابع مستند در باب آثار صفوی شهر قزوین به شمار می‌رود.

۶. در مورد قرارگیری خیابان در میان درگاه باغ سعادت و درگاه دولت‌خانه در سایر مکتوبات تاریخی نیز اشاراتی مشاهده می‌شود، از آن جمله «نطنزی» در «نقاوه‌الآثار» ذیل به حکومت رسیدن شاه اسماعیل دوم در قزوین چنین می‌آورد: «... پس از آن نهضت فرمود (شاه اسماعیل دوم) روز پنجشنبه شانزده ربیع‌الاول سایه وصول بر مساحت جنت رتبت دارالسلطنه قزوین انداخته... بعد از سه روز پادشاه جهانیان از راه خیابان به باغ سعادت‌آباد تشریف برد...».

فهرست منابع

- آل هاشمی، آیدا، روح‌نیا، ندا و مجتهدی. ۱۳۸۸. خیابان قزوین؛ بازایی فضای خیابان در شهر. مقاله منتشر نشده.
- اشراقی، احسان. خلاصه‌التواریخ، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- اورسل، ارنست. ۱۳۵۳. سفرنامه ارنست اورسل. ت: علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- اهری، زهرا. ۱۳۸۵. چهارباغ اصفهان مفهومی نو از فضای شهری. مجله گلستان، (۵): ۴۸-۵۹.
- ترکمان، اسکندر بیگ. ۱۳۳۴. تاریخ عالم‌آرای عباسی. تهران: امیرکبیر.
- حبیبی، سید حسین و اهری، زهرا. ۱۳۸۷. لاله‌زار؛ عرصه تفرج از باغ تا خیابان. مجله هنرهای زیبا، ۱۴ (۳۴): ۱۵-۵.
- دبیرسیاقی، سیدمحمد. ۱۳۷۹. خیابان. مجله خراسان پژوهی، ۳ (۱): ۲۰۸-۱۹۹.
- دبیرسیاقی، سیدمحمد. ۱۳۸۱. سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن. قزوین: سازمان میراث فرهنگی کل قزوین.
- فلاندن، اوژن. ۱۳۵۶. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ت: حسین نورصادقی. تهران: انتشارات اشراقی.
- فیگوئروا، دن گارسیا دی سیلوا. ۱۳۶۳. سفرنامه دن گارسیا دی سیلوا فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول. ت: غلامرضا سمعی. تهران: نشر نو.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۲. سفرنامه شاردن. ت: اقبال یغمایی. تهران: انتشارات توس.
- کریمان، حسین. ۱۳۴۵. ری باستان. تهران: نشر دانشگاهی ایران.

- لاله تیک چند، بهار. ۱۳۸۰. فرهنگ بهار عجم. جلد دوم. تهران: انتشارات طلایه.
- متینی راد، جلال. ۱۳۶۱. خیابان. مجله ایران نامه، ۱ (۱): ۵۷-۹۹.
- معین، محمد. ۱۳۷۹. فرهنگ معین، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منشی قمی، احمدبن حسین. ۱۳۸۳. خلاصه التواریخ، جلد ۱. ت: احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبدی بیگ شیرازی، خواجه زین العابدین. ۱۹۷۹. جنبه الاثمار، زینت الاوراق، صحیفه الاخلاص. مسکو: اداره انتشارات دانش.
- عبدی بیگ شیرازی، خواجه زین العابدین. ۱۹۷۹. دوحه الازهار. مسکو: اداره انتشارات دانش.
- عبدی بیگ شیرازی، خواجه زین العابدین. ۱۹۷۹. روضه الصفات. مسکو: اداره انتشارات دانش.
- ورجاوند، پرویز. ۱۳۷۷. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین (دفتر نخست). تهران: نشر نی.

Reference list

- Ahari, Z. (2006). Chahar bagh- e Isfahan : Mafhumi no az fazay- e shahri [Chahar-Baq Boulevard : a new concept in urban space]. Golestan-e Honar, 2 (3) : 48-59.
- Alehashemi, A., Rouhnia, N & Mojtahedi, B. (2009). khiyaban-e qazvin; bazyabi-e fazay-e khiyaban dar shahr [The Boulevard of Qazvin; retrieval of the space of boulevard among the city]. unpublished.
- Chardin, J. (1993). Voyages dachevalier chandin, en pers [Itinerary of Chardin]. Translated to Persian by Yaghmaee, E. Tehran : Enteshrat-e Toos.
- Dabir siaghi, M. (2000). khiyaban [The Boulevard] . khorasan pazhuhi, 3(1) : 199-208.
- Dabir siaghi, M. (2002). Seyr-e tarikh banaha-ye shahre-e Qazvin va banaha-ye on [Historic process in construction of the city of Qazvin and its buildings]. Qazvin : cultural heritage institute of Qazvin.
- Figueroa, D. G. (1986). L'Ambassade de D. Garcia de Silva Figueroa en perse [Itinerary of D. Garcia de Silva Figueroa in Iran] Translated to Persian by Samiee, Gh. Tehran : Nashr-e No.
- Flandin, EN. (1979). Safar Nameh Eugene Flandin [Voyage en Perse 1840 – 1841]. Tehran: Entesharat-e Eshraghi.
- Habibi, S. A. & Ahari, Z. (2008). Arse- ye tafaraj az bagh ta khiaban [Lalehzar – A Promenade, From Garden to Avenue]. HONAR-HA-YE-ZIBA, 14 (34) :5-15.
- Kariman, H. Rey- e bastan [The ancient Ray]. Tehran : Nashr- e daneshgahi.
- Laleh Tik chand, B. (2001). Farhang-e Bahar-e Ajam [Bahar- e Ajam Dictionary]. 2 nd issue. Tehran : enteshart-e Ta- layeh.
- Matini Rad, J.(1984). Khiyaban. The journal of irannameh, 11(1) : 57-99
- Moin, M. (2000). Loghat nameh- ye Moin [Moin dictionary]. Vol,1. Tehran : Amirkabir.
- Monshi ghomi, A.(2004). Kholase al Tavarikh. 1th issue [Brief History]. Tehran : University of Tehran
- Orsolle, A.(1976). Le Caucase et la perse [The Caucasus and Persian]. Translated to Persian by Asghar saeedi, A. Tehran : zavar.
- Torkaman, E. (1955). Tarik-e alamara-ye Abbasi [History of Shah Abbas the Great]. Tehran : Amir Kabir.
- Varjavand, P.(1998). sima-e tarikh va farhang-e qazvin [The historical view and culture of Qazvin]. Tehran: Nashr-e Ney.

Qazvin Boulevard: A Garden inside Qazvin

Redefine the boulevard on Qazvin Boulevard based on existing historic texts

Ayda Alehashemi*

Abstract

Qazvin Boulevard, located in Iran's northern city of Qazvin, was constructed by the Safavid king Shah Tahmasb. Some compare it in similarity with Chahar-Baq Boulevard in Isfahan and some others even consider it as the first boulevard in Iran's urban spaces. A significant point about this boulevard is its spatial structure and function. In other words, there is currently an urgent need to study what constitutes the spaces and functions of this city structure – today called Sepah Boulevard. Also important is the materials used in construction of this boulevard as well as the size and composition of those materials.

These are all questions that the present article tries to answer by referring to historical records. The article also tries to present an overview of the spatial structure of boulevards during the Safavid era. In conclusion, various facts are presented to explain what has made Qazvin Boulevard a key public place inside the city. Also, it is explained how different elements of Persian architecture like garden paths have been put together in this structure whose construction is a great deal based on a recreational approach.

The current research further shows how Qazvin Boulevard paved the way for the construction of similar structures in other cities of Iran, specifically during the reign of Safavid king Shah Abbas, in what was later known as *Khiyaban*.

This research mainly aims to highlight the basic elements and the components that shape this structure. A comparison is also made with similar spaces in Persian gardens which are believed to date back to at least 2000 years ago.

Khiyaban, as the present research shows, was an urban and a public space during the Safavid era for leisure activities. Its physical elements such as the positioning of two lines of trees on both sides and also the plan of this space shows that Khiyabans were constructed for special purposes at the heart of the city of Qazvin during the Safavid era. One apparent purpose was to display the glory of the king and this was done by leading the Khiyaban to the palace of the king.

In conclusion, the present article compares the physical and conceptual pattern of Qazvin Khiyaban with the similar spaces in Persian garden and in the Iranian cities before and after the Safavid era. It eventually becomes clear that the Qazvin Khiyaban has effectively laid the foundations for such spaces in Iranian cities. This is particularly the case when considering that the Khiyaban has used the physical and conceptual patterns in Persian gardens.

Keywords

Qazvin, Image of Khiyaban, Abdi Beyk Shirazi, Persian Garden, diaries of Europeans on Qazvin.

*. Ph.D candidate in Landscape Architecture, Department of Landscape Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran. Tehran. Iran. aydaalehashemi@gmail.com